

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نیل کلارک
فرستنده: عثمان حیدری
۲۵ جنوری ۲۰۲۰

نگاه وارونه رسانه‌های غربی به اعتراضات ایران و فرانسه



منظور من اینجا انتقاد از تظاهرکنندگان ایرانی و یا دلایل ورود آن‌ها به خیابان‌ها نیست، بلکه منظور من برجسته کردن دستور کار وسیع کسانی است که به ما می‌گویند: «به آنجا (فرانسه) نگاه نکنید، به اینجا (ایران) نگاه کنید! درست مانند دروغ بزرگ در مورد سلاح‌های گشتار جمعی در عراق، سلاح‌هایی که وجود خارجی نداشت، باز اینجا هم سردبیران رسانه‌ای نقش آدمک‌های خیمه‌شب‌بازی قدرتمندان را ایفاء می‌کنند.

مثلاً بریتانیا: ایران هزاران کیلومتر از پادشاهی متحد فاصله دارد ولی چون خبرگان قدرت از اعتراض‌های ضددولتی در تهران حمایت می‌کنند، این اعتراض‌ها نسبت به اعتراض‌ها در آن سوی کانال مانش در فرانسه، بازتاب به مراتب گسترده‌تری پیدا می‌کند.

چند نفر انگلیس تاکنون به ایران سفر کرده اند؟ چند نفر از آن‌ها اصلاً در ایران زندگی کرده و یا ایران را میهن دوم خویش می‌دانند؟

حدس می‌زنم که تعداد آن‌ها در ایران، به عکس تعداد آن‌ها در فرانسه، بسیار کم است. در سال ۲۰۱۸ یک نظرسنجی صورت گرفت که بنا بر آن، فرانسه در بین کشورهای مورد علاقه انگلیس‌ها رتبه اول را کسب کرد. ۷۶ درصد انگلیس‌ها حداقل یک بار در طول عمر خود در فرانسه بوده‌اند. بنا بر آمار سایت دولتی انگلیس، سالانه ۱۷ میلیون انگلیس به فرانسه سفر می‌کنند.

خود من اکتوبر سال گذشته در فرانسه بودم. علاوه بر این، باید آنانی را نیز که به طور دایم در خارج از کشور زندگی می‌کنند «Expats»، در نظر گرفت. در سال ۲۰۱۷ فرانسه برای ۱۹۰ هزار انگلیس میهن دوم محسوب می‌شد. بسیاری از مردم انگلیس حداقل یک سال (و گه‌گاه چندین سال) در پروانس زندگی می‌کنند.

حالا فرض کنیم شما سردبیر یک رسانه خبری بودید. شما مطمئناً و به حق از این مبدأ حرکت می‌کردید که بینندگان تلویزیون انگلیس علاقه بیشتری به کسب اطلاعات در مورد تظاهرات ضددولتی در فرانسه، یعنی در کشوری که به خوبی می‌شناسند دارند تا به ایران که از انگلیس بسیار دور است. غیر از این است؟

ولی واقعیات چیز دیگری است. در حالی که آخر هفته گذشته تظاهرات علیه دولت ایران (به مناسبت انهدام غیر عمد یک هواپیمای مسافری اوکرائینی) مورد توجه بی‌اندازه قرار گرفته و سرتیتر وبسایت بی بی سی روز یکشنبه بود، اخبار در مورد اعتراضات در فرانسه و اعتصاب عمومی در این کشور علیه رفرم سیستم بازنشستگی در این کشور بسیار ناچیز بود.



البته فرانسوی‌ها خیلی سریع به چیزی که نمی‌پسندند «نه» می‌گویند ولی اعتراضات جاری حتا برای شرایط فرانسه هم بسیار غیرمعمول است. از دسمبر سال ۲۰۱۸ «واسکت های زرد» در آخر هر هفته دست به تظاهرات می‌زنند.

آخر هفته گذشته Akt 61 یعنی برای ۶۱مین بار این اعتراضات تکرار شد. در پاریس تظاهرکنندگان با سنگ و کلوخ به مبارزه با پولیس پرداختند و کوشش کردند در خیابان‌ها سنگ‌سازی کنند و سطل‌ها و محفظه‌های زباله را آتش زدند. پولیس با خشونت و گاز اشک‌آور به مقابله با تظاهرکنندگان پرداخت.

همزمان با آن اکنون ۳۱ روز است که اعتصابات سراسری علیه بالا بردن سن بازنشستگی از ۶۲ به ۶۴ سال به وسیله رئیس‌جمهور مکرون، ادامه دارد. مکرون فعلاً این تصمیم را پس گرفت ولی نتیجه اخلاقی این داستان این است که اقدامات مستقیم سودمند است و عمل می‌کند.

ولی مجدداً تأکید می‌کنم، هیچ‌یک از این اخبار در مورد آنچه که مقابل خانه ما در آن سوی کانال مانس صورت می‌گیرد، ارزش آن را پیدا نکرد که به خبر اصلی در پادشاهی متحد تبدیل گردد. همین‌طور مارش هزاران نفر در گلاسگو که خواستار استقلال سکاتلند از پادشاهی متحد بودند نیز موضوعی برای گفت‌وگو رسانه‌ای نبود! آیا تعجب‌آور نیست؟

در عوض صبح یکشنبه که از خواب برخاستیم با جنگی از گزارش‌های مبسوط در مورد تظاهرات علیه دولت (ببخشید علیه «رژیم») ایران که هزاران کیلومتر با ما فاصله دارد مواجه شدیم. «کارشناسان» نیز دقت لیزری خود را متوجه ایران کردند. بیائید تعداد توئیت‌ها و موضع‌گیری‌هایی را که آخر هفته در مورد تظاهرات ایران پخش شد با بی‌علاقگی به تظاهرات واسکت‌های زرد یا تظاهرات فرانسه مقایسه کنید.

آنچه چشم‌گیر است تنها درجه متفاوت حمایت رسانه‌ای نیست، بلکه نحوه و شیوه‌ای است که تظاهرات «قاب‌بندی» می‌شود (framed).

تظاهرات خیابانی «ضد رژیم» در ایران مانند تظاهرات در ونزوئلا ۱۲ ماه پیش و یا در هنگ‌کنگ ظاهراً بسیار مورد ستایش قرار می‌گیرد. دونالد ترامپ حمایت خود را از آن‌ها اعلام می‌کند و نئوکان دواآتشه «جان بولتون» که قادر نیست هیجان خود را مخفی کند، توئیت می‌کند: «بوی رژیم چینج می‌آید».

به عکس واسکت‌های زرد از چنین حمایت‌های خبرگان برخوردار نیستند و به جای آن بدنام شده، لجن‌مال می‌گردند. آن‌ها را به «ضدسامی بودن» متهم کردند، گفتند که بسیار چپ‌اند و یا بسیار راست‌اند. در واقع جنبش واسکت‌های زرد یک جنبش دموکراتیک و مردمی است که در هایش بر روی همه کسانی که از وضعیت موجود خشمگین‌اند، باز است. این جنبش کاملاً ارگانیک است و زیر نفوذ هیچ حزب و گروهی قرار ندارد و احتمالاً به همین دلیل خبرگان قدرت این‌قدر از آن‌ها می‌ترسند.

گزارش‌دهی در مورد تظاهرات واسکت‌های زرد اگر اساساً صورت گیرد، بسیار منفی است، زیرا حکام ما نمی‌خواهند که این کار در بریتانیا تقلید شود.

به عکس آن‌ها بیش‌تر علاقه مندند برای ناآرامی‌های شهروندان در کشور نفت‌خیز ایران هورا بکشند، زیرا نهایتاً می‌دانند که هر چیز که دولت ایران را تضعیف کند، در خدمت منافع آزمندانه و سلطه‌طلبانه آن‌هاست. و در این میان تنها مسأله بر سر ذخایر گازی و نفتی که ایران دارد نیست (در نومبر سال گذشته یک حوزه نفتی جدید با حجم ۵۳ میلیارد بشکه کشف شد).

مسأله اینجا است که محور مقاومت بین تهران و دمشق و حزب‌الله علیه پروژه نئوکان‌ها برای کنترل کامل خاورمیانه متلاشی شود و کلیه بازیگران مستقلاً که از مردم فلسطین حمایت می‌کنند، خنثا شوند.

باید تکیه کنم که منظور من اینجا انتقاد از تظاهرکنندگان ایرانی و یا دلایل ورود آن‌ها به خیابان‌ها نیست، بلکه منظور من برجسته کردن دستور کار وسیع کسانی است که به ما می‌گویند: «به آنجا (فرانسه) نگاه نکنید، به اینجا (ایران) نگاه کنید! درست مانند دروغ بزرگ در مورد سلاح‌های کشتار جمعی در عراق، سلاح‌هایی که وجود خارجی نداشت، باز اینجا هم سردبیران رسانه‌ای نقش آدمک‌های خیمه‌شب‌بازی قدرتمندان را ایفاء می‌کنند.

منبع: راشیا تودی

تارنگاشت عدالت